

گزارش برگزاری کنگره هفتم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کنگره سالانه سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر در اواسط مرداد ماه ۱۳۸۱ برابر با اوت ۲۰۰۲ با یک دقیقه کفزدن های پرشور حاضران به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، کار خود را آغاز کرد. کنگره پس از شنیدن گزارش ستاد برگزاری اجلاس، انتخاب هیات رئیسه و تعیین منشی ها وارد دستور کار خود شد.

در ابتدا آئین نامه پیشنهادی ستاد برگزاری کنگره برای تعیین مقررات و روال کار به رای گذاشته شد و به اتفاق آرا به تصویب رسید. منطبق با سنت نشست های سازمان، علاوه بر جوانان نسل سوم، جمعی از همراهان و همزمان خارج از سازمان نیز به عنوان میهمان در کنگره حضور داشتند. به تاکید آئین نامه برگزاری کنگره، میهمانان حاضر در کنگره می توانند در همه فعالیت های آن به غیر از انتخاب کردن و انتخاب شدن شرکت کنند.

پس از معرفی میهمانان و تصویب اعتبارنامه ها، دستور جلسه پیشنهادی کمیته مرکزی به رای گذاشته شد و به تصویب رسید. کنگره در ابتدای کار خود به بحث پیرامون اوضاع سیاسی ایران و منطقه، موقعیت چپ و نیروی دموکراسی و لزوم اتخاذ راهکارهای محوری در پاسخ به نیازها و موقعیت خطیر کنونی کشور پرداخت. بر متن بحث های گسترده قبل از کنگره و پس از بحث های اولیه کنگره، کمیسیونی برای جمع بندی دیدگاهها و نظرات، تدقیق بحث ها و ارائه اسناد قطعنامه ای تشکیل شد. این کمیسیون پس از بحث و جمع بندی نظرات موجود، سه سند قطعنامه به کنگره ارائه کرد که از میان آنها، قطعنامه اول (با عنوان: "برای ایجاد یک فوروم گفتگوی دموکراتیک") با آرای ۶۴ درصد شرکت کنندگان کنگره به تصویب رسید. قطعنامه دوم (با عنوان: «حل بحران آلترناتیو، با هویت یابی اردوی مستقل دموکراسی رادیکال و برابری طلب در درون جنبش بی هویت سرنگونی و دموکراسی طلبی مه آلود ممکن است») ۲۶ درصد و قطعنامه سوم (با عنوان: "برای برپایی یک فورم اجتماعی و برای ائتلاف علیه استبداد") ۲۰ درصد آرا شرکت کنندگان در کنگره را به دست آوردند. (متن این قطعنامه ها جداگانه آمده است)

کنگره در ادامه کار خود، گزارش عملکرد عمومی کمیته مرکزی در فاصله کنگره ششم تا هفتم را مورد بررسی قرار داد و کلیت این گزارش را همراه با اصلاحاتی به تصویب رساند. کنگره، کمیته مرکزی آینده را مامور کرد که بر ارتقا کیفیت کار سازمان، جلب و جذب نیروهای طرفدار آزادی و سوسیالیسم، بهبود و گسترش انتشارات و امکانات ارتباطی سازمان متمرکز شود و با اصلاح سبک کار، راه را برای مشارکت گسترده تر و مداخله هر چه بیشتر اعضای سازمان در همه فعالیت های آن بگشاید و تلاش کند در راستای پروژه اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم و تحولات تازه در همگرایی ها و آرایش نیروهای چپ، همه امکانات خود را بکار گیرد. مقرر شد پروژه اتحاد چپ کارگری، کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی و پروژه های همگرایی دیگر همچنان پیگیرانه دنبال شود.

اصلاحات تشکیلاتی و "خانه تکانی فکری" در ارتباط با سیاست های گذشته حاکم بر سازمان، دیگر محور بحث کنگره بود. در نقد فرهنگ و ساختار تشکیلاتی گذشته سازمان سندی تحت عنوان: "باز هم خانه تکانی کنیم" به کنگره ارائه شد که از حمایت بیش از دو سوم حاضران برخوردار گردید. در این سند ضمن "انتقاد قاطع و همه جانبه از عملکردهای ضد دموکراتیک و فوق سانتالیستی که در گذشته به فرهنگ حاکم سازمان تبدیل شده بود" بر فاصله گیری "همه جانبه" از این عملکردها تاکید شد. در این سند با شرح تلاش کنگره اول در فاصله گیری از "بینش غیر دموکراتیک حاکم بر احزاب چپ" که "اقدامات عملی ناشی از آن بعضا سرکوبگرانه و استبدادی بود"، آمده است که امروز مسئولانه "می توان ادعا کرد که دموکراسی درون حزبی در سازمان با یک حداکثر قابل قبول و در ابعادی همه جانبه نهادی شده است". در متن سند ضمن ابراز تاسف از برخوردهایی که به کناره گیری و استعفای عده ای از اعضای سابق سازمان منجر شد، از آن دسته از رفقای که برای سوسیالیسم و آزادی پیکار می کنند و خود را در چهارچوب عمومی سازمان می دانند دعوت به بازگشت شد. کنگره پس از تصویب این سند در چهارچوب تحقق آن، هیاتی را برای گفتگو با رفقای جدا شده از سازمان تعیین کرد. (متن کامل این سند ضمیمه است)

کنگره در ادامه بحث پیرامون اصلاحات تشکیلاتی به منظور تسهیل امر عضوگیری در موقعیت جدید، وجود دو معرف

برای اعضای جدید را نالازم و کفایت یک معرف برای نامزدهای عضویت را با اکثریت آرا به تصویب رساند. در همین راستا برای جلب و جذب جوانان به سازمان، کنگره، کمیته مرکزی را مامور کرد تا نهاد یا ارگانی برای سازماندهی جوانان بوجود آورد و امکانات گسترش سازمان در میان جوانان نسل سوم را فراهم سازد.

اصلاح ساختار رهبری تشکیلات از دیگر موارد بحث بود. تامین مشارکت هر چه موثرتر اعضای کمیته مرکزی در تصمیمات و اجرائیات، چابک سازی ارگان رهبری، هم آهنگی بیشتر در فعالیت ها و فراهم سازی زمینه ارتقا فزاینده تر کیفیت و کمیت کار، بهره مندی هر چه بیشتر از تجربه و توان اعضا و فعالین سازمان در نهادها و کمیسیون های کار و کمیسیون های تخصصی، مضمون اصلاحات پیشنهادی در این حوزه بود که در کنگره مورد تصویب قرار گرفت. آخرین دستور کار کنگره، انتخابات کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و بازرسی بود. کنگره پس از انتخاب اعضای کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و بازرسی به کار خود پایان داد.

حل بحران آلترناتیو، با هویت یابی اردوی مستقل دموکراسی رادیکال و برابری طلب در

درون جنبش بی هویت سرنگونی و دموکراسی طلبی مه آلود ممکن است

متن قطعنامه دوم که آرای ۲۶ درصد شرکت کنندگان کنگره را به دست آورد و به

تصویب نرسید، به شرح زیر است:

۱ - با شکست کامل پروژه اصلاحات و مسلم شدن عدم امکان نجات رژیم حتی برای خود اصلاح طلبان، بحران سیاسی به مرحله تازه ای رسیده و جمهوری اسلامی وارد فاز فروپاشی شده؛ و مسئله ضرورت برچیدن این رژیم، اینک جای خود را به چگونه برچیدن آن و مسئله جایگزین نظام داده است.

۲ - در چنین مقطع سرنوشت سازی، جنبش های گسترده اجتماعی کارگران، بیکاران، تهیدستان، زنان، جوانان، ملیت ها و غیره؛ و همچنین مبارزات آزادیخواهانه و دمکراتیک در درون جنبش عمومی ضد استبدادی و مطالبات آنان، در عین حال که زمینه عینی نقدا موجود و مساعدی برای تکوین یک آلترناتیو آزادیخواه، دمکراتیک و برابری طلب در بستر و متن این جنبش های جاری هستند، لیکن فاصله ای که بخش های مختلف این جنبش ها از آگاهی نسبت به سیما و پلاتنفرم آلترناتیو برآورنده نیازهای اساسی خود دارند؛ و نیز فقدان شبکه های ارتباطات توده ای که از طریق آنها این جنبش های اجتماعی و سیاسی به یکدیگر متصل شده، مطالبات و اهداف پراکنده خود را به پلاتنفرم مشترک یک نهضت سراسری آزادیخواه و برابری طلب تبدیل کنند، از مهم ترین عوامل منفی در وضعیت حاضرند، که شرایط را برای شکل گرفتن یک رهبری از دل این جنبش توده ای و پا گرفتن جنبش آلترناتیو بسیار نامساعد می کنند. همین عوامل منفی، شرایط مساعدی برای تلاشگران آلترناتیوهای استبدادی، ارتجاعی، و قبائل دیگری از استثمارگران و چپاولگران فراهم می کنند، تا از شکاف میان رژیم و مردم وارد شده و در تاریکی شعارهای مبهم و کلی علیه استبداد و وعده های عوامفربانه دروغین در باره آزادی، دمکراسی، عدالت و رفاه، خلا آلترناتیو را بسود خود پر کنند.

۳ - در چنین وضعیتی روشنائی انداختن به شکاف ها و شعارهای تاریک، صراحت دادن به اصول و مطالبات آزادیخواهانه، دمکراتیک و برابری طلبانه و تبدیل آنها به گفتمان غالب در جنبش های اجتماعی و سیاسی کشور؛ سازمان یابی اردوی مستقل دمکراسی و برابری رادیکال در جنبش بی هویت سرنگونی؛ و نیز معماری ارتباطات توده ای میان جنبش های پراکنده و در خود، مبرم ترین نیاز جنبش آزادیخواهانه و برابری طلب به منظور برطرف کردن عوامل منفی و تغییر وضعیت نامساعد به مقابله سازمان یافته با آلترناتیوهای ارتجاعی و استبدادی از طریق مطالبات، شعارها و پلاتنفرم های رادیکال و شفاف، در مسیر براندازی دمکراتیک جمهوری اسلامی است.

۴ - از میان ملزومات گوناگون پاسخگوئی به این نیاز مبرم جنبش، وسایل ارتباطی و رسانه ای با برد توده ای است تا

هم امر انتقال و انتشار گفتمان دموکراتیک و برابری طلبانه در مقیاس توده‌ای، و هم به عنوان حلقه اتصال جنبش‌های پراکنده و مطالبات آنان با یکدیگر، موثر باشد.

۵ ایجاد رسانه (هائی) در خارج از ایران با چنین اهدافی و در خدمت به خودرہانی و خودحکومتی توده‌ای، می‌تواند یکی از تلاش‌های مداخله‌گرانه برای برهم زدن موازنه نیروها به سود آلترناتیو دموکراتیک توده‌ای باشد.

۶ - رسانه‌ای که هدف آن انتقال و انتشار گفتمان رادیکال از آزادی‌های سیاسی، حقوق دموکراتیک، دموکراسی و برابری باشد، تنها می‌تواند با همیاری و همکاری آنانی برپا شود و عمل کند، که هر یک از آنانی که برای مجموعه‌ای، یا تعدادی و یا فقط برای یکی از محورها و اصول متعدد مربوط به آزادی، دموکراسی و برابری مبارزه می‌کنند، مدافع و مبلغ رادیکالیسم در همان زمینه باشند. چنین جمعی در کلیت خود (و نه الزاما در وجود تک‌تک عناصر) جمعی خواهد بود با هویت دموکراتیک و برابری طلب. جمع کردن چنین طیفی با یک پلاتفرم حول مضامین سلبی یا ایجابی حول اصول و موازین آزادی یا دموکراسی یا برابری، نه درست است و نه عملی. تنها شرط باید علاقه‌مندی و آمادگی آنان برای همیاری و همکاری برای ایجاد چنین رسانه‌ای و با هدف عمومی انتقال و انتشار گفتمان رادیکال از آزادی، دموکراسی و برابری به جنبش‌های داخل، و اتصال آنها به یکدیگر باشد.

۷ - همیاری و همکاری این طیف حول رسانه‌ها و در زمینه مداخله‌گری در جنبش‌های جاری در ایران، می‌تواند در ادامه خود همگرایی‌های احتمالی را نیز در میان برخی از فعالان این طیف به بار آورد، که البته دستاورد مثبتی خواهد بود.

۸ - این طیف دموکراسی و برابرطلبی رادیکال، می‌تواند از طریق همسوئی‌ها، هماهنگی‌ها و همکاری‌های موردی با نیروهای دمکرات پیرامونی شعاع اردوی دموکراسی را در مسیر تقویت جنبش دموکراتیک سرنگونی و سد کردن راه آلترناتیوهای ارتجاعی و استبدادی هر چه بیشتر گسترش دهد.

برای برپایی یک فورم اجتماعی و برای ائتلاف علیه استبداد

متن قطعنامه سوم که آرای ۲۰ درصد شرکت‌کنندگان کنگره را به دست آورد

و به تصویب نرسید، به شرح زیر است:

در شرائطی که :

- ۱ - بحران سیاسی عمومی کشور رو به تشدید است
 - ۲ - استبداد سیاسی وسیع‌ترین بخش‌های جمعیت کشور را برانگیخته و به مخالفت کشانده و نه استبداد دینی و حکومت دینی مشروعیت ندارد بلکه وسیع‌ترین بخش جمعیت ایران بیش از هر زمان در تاریخ کشور خواهان تعیین سرنوشت و حاکمیت توسط مردم است.
 - ۳ - در سطح اندیشه سیاسی، فکر دموکراسی و دموکراسی خواهی علیرغم پیش‌روی هنوز از عمق لازم برخوردار نیست. به ویژه دموکراسی عمیق و همه‌جانبه مورد نظر گرایش سوسیالیستی ضعیف است.
 - ۴ - در سطح مبارزه عملی علیه استبداد، جنبش عمومی علیه استبداد با همه گستردگی پراکنده است و هم‌سوئی و هم‌پیوندی متناسب برای غلبه بر استبداد حاکم را ندارد.
 - ۵ - جنبش‌های اجتماعی - طبقاتی موجود هم‌سو با جنبش مزد و حقوق‌بگیران علیرغم گستردگی، انسجام و هماهنگی مبارزاتی لازم را ندارد و به لحاظ افق‌های مبارزاتی بلندنگر نیست و خواست‌ها و مطالبه‌ها و مسیر و نوع دموکراسی روشنی کافی ندارد.
 - ۶ - برای کمک به برطرف شدن ضعف‌های برشمرده در مسیر مبارزه مزد و حقوق‌بگیران و جنبش‌های اجتماعی هم‌سو با آن و تقویت نقش این اردو در جنبش عمومی دموکراسی و برای کمک به رفع ناتوانی‌های جنبش عمومی دموکراسی در مبارزه علیه استبداد حاکم، ما برآنیم که:
- الف - وظیفه همراهی و یاری برای برپایی یک فورم اجتماعی که گفتمان دموکراسی همه‌جانبه و مشارکتی را در میان

بخش‌های مختلف اردوی مزدو حقوق‌بگیران و جنبش‌های اجتماعی هم‌سو با آن جاری و تقویت کنند، در دستور کار قرار می‌گیرد.

ب – برای کمک به هم‌سو کردن و متحد کردن مبارزات عملی بخش‌های مختلف جنبش دموکراسی عمومی، آماده هم‌کاری و همراهی بر سر هر مطالبه دموکراتیک با گرایش‌های مختلف نیروهای دموکرات بوده و خواهان وسیع‌ترین همکاری‌های عملی هستیم.